

ما مرده بودیم یا آقایان کر بودند؟

عباس عبدي

پس از نوشتن یادداشت «قیمت نان نماد چیست؟» در روزنامه اعتماد، روزنامه کیهان حمله تندي را علیه آن یادداشت و بنده کرد و با ارجاع به وجود چنین وضعي در دوره روحاني نوشته است که «آن سالها احتمالا امثال لیلاز و عبدي مرده بودند که صدایي به هشدار و اعتراض بلند نکردند.» دوستي که این را برایم فرستاد، تعجب کرده بود که چرا علیه تو و لیلاز که همیشه مخالف قیمت‌گذاری در این‌گونه موضوعات بوده‌اید، چنین نوشته است؟ پیشنهاد کرد پاسخي دهم. گفتم که به احتمال قریب به یقین نویسنده محترم کیهان آن اندازه آگاه بوده که بداند مواضع من از ابتدای نوشتن در روزنامه سلام در نقد سیاست قیمت‌گذاری دستوري است، بارها علیه قیمت‌گذاری ارز و حتی يك‌بار علیه قیمت‌گذاری رُب گوجه‌فرنگي هم نوشتم. لذا نیازی به پاسخ ندارد و بالطبع نظر مرا آگاهانه قلب واقعیت کرده‌اند، زیرا چون نمی‌توانستند منطق یادداشت را پاسخ دهند به موضوع دیگری پرداخته اند. در خوش‌بینانه‌ترین حالت که فرض کنیم اشتباه کرده‌اند باید پاسخ داد که در آن زمان هم من زنده بودم و هشدار دادم و اعتراض هم کردم ولي آن زمان نویسنده محترم کیهان بیدار نبود که آنها را بشنود. البته آن زمان تفاوت قیمت نان این اندازه حاد نشده بود. آنچه حاد شد، قیمت بنزین بود که بارها هشدار می‌دادیم ولي تصمیم‌گیران کشور از ترس کیهانیان اقدامی نمی‌کردند. يك‌بار هم که در آبان ۱۳۹۸ اقدام کوچکی کردند چنان رودستی از آنان خوردند که برای همیشه پشت دست خود را داغ کردند که دنبال اصلاح قیمت‌ها بروند. با این همه آن دولت آن اندازه مسوولیت‌پذیری داشت که در سال ۹۹ قیمت نان را بیش از ۱۰۰ در ۱۰۰ افزایش داد ولي این دولت تاکنون که بیش از ۱۵۰ درصد تورم داشته است به‌طور رسمی اقدامی نکرده و شکاف قیمتی بسیار زیاد شده است. پس چرا کیهان این را نوشته؟ هدف آنان در درجه اول، قانع کردن مخاطبان اندک خود است و اینکه خلاصه ما زنده‌ایم و حرف داریم. آن مخاطبان نیز مطالب دیگران و ما را نمی‌خوانند که پاسخ به آنان دهم.

ولي از حيث منطق نوشتاري آنان دو نکته را متذکر ميشوم. ۱- در دو دهه گذشته در تمام دولتها با فاصله قيمتي کالاها مخالف بوده‌ام البته از انتقال واقعي (و نه صوري مثل سال ۱۳۹۸) تفاوت قيمتها به همه مردم و نه فقط اقشار فقير، دفاع کرده‌ام.

ولي اکنون اين تفاوت قيمت در همه حوزه‌ها به ويژه نان و انرژی خيلي زياد شده و اين به زيان مردم است ولي چون اعتماد متقابل بين دولت و مردم نيست جرات انجام آن را ندارند.

2- فرض کنيم که من و افراد ديگر در دولت گذشته در اين باره موضع‌گيري نکرده باشيم. خب در صورت اثبات اين فقط يك ضعف ماست، ولي اگر حرفهاي امثال بنده درست است چرا الان اجرا نمي‌کنيد؟ به علاوه چرا خود شما نمي‌گويد، اينکه خيلي بدتر است. اگر در گذشته هم نگفته‌ايد کار بدی کرده‌ايد و اگر الان هم نمي‌گويد کار بدتری مي‌کنيد. البته اگر منطق آن غلط است، ايرادي ندارد آن را نقد و رد کنيد. قطعاً نمي‌توانيد رد کنيد، علت حمله به آن يادداشت و طرح موضوعي انحرافي نيز همان منطق درست آن بود.

بنده برخلاف شما تعهد مي‌دهم که در اصلاح قيمتها از دولت حمايت کنم، به شرطي که ما به التفاوت آن به جيب مردم و همه مردم برود و نه به جيب دولت براي جبران کسري بودجه. نه مردم را تحريك خواهم کرد و نه اعتراض مي‌کنم، آن‌گونه که شما در آبان ۱۳۹۸ چنان کرديد. متعادل شدن قيمتها به سود همه است، به شرطي که دنبال خالي کردن جيب مردم و پر کردن بودجه دولت نباشيم. لطفاً از حقوقها و خرجهاي بيهوده خود کم کنيد. راستي چرا درباره يك سفر يك روزه به يك استان که فقط ۱۲۰ ميليون تومان بايد هزينه غذاي ۱۰-۱۲ نفر شده چيزي نمي‌نويسيد؟! اغلب هزينه‌هاي رسمي از اين نوع بيهوده و مصرفانه است. اينها را کم کنيد. ما هم زنده نباشيم مردم زنده‌اند!

منبع: روزنامه اعتماد 4 مهر 1402 خورشی □□